

انتشارات آلفرد ناف قصد دارد بیوگرافی کامل استنلی کوپریک
فیلمساز افسانه‌ای آمریکایی را به زودی در سه جلد به چاپ برساند
به همین مناسبت استنلی کوپریک را در نگاهی تازه می‌یابیم.

ترجمه: کاوه کاویان

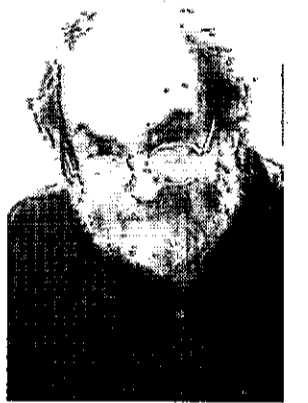
استنلی کوپریک:

من هرگز چیزی در مدرسه یاد نگرفتم

و تا ۱۹ سالگی هیچ کتابی را از روی لذت نخواندم

کوکلی Jack Nicolson - در «درخشش»
- سر باز Pyle وقتی روانی می‌شود در «غلاف تمام
فلزی» - در «چشم‌ان باز بسته» وقتی در تاکسی افکار
پارانویا به سراغش می‌آید حتی HAL ۰۰۰۹ هم در ۲۰۰۱
به نوعی یک Clare دارد.
- پروژه آخرش فیلم «هوش مصنوعی» بود که ۱۰
سال روی آن فکر می‌کرد ولی در نهایت به علت
مرگش کار بدست استیون اسپیلبرگ افتاد و او فیلم را
ساخت.
- او و Spielberg احترام و دوستی‌ای نسبت به هم
نشان می‌دادند و طی سالها همیشه با هم در مورد
فیلم سازی مشورت می‌کردند.
- برای فیلم «باری لیندون Bary Lyndon»، فقط از
نور طبیعی استفاده کرد. مثل نور آفتاب، شمع، چراغ
نفتی و...
- خودش شخصا هیچ وقت برنده اسکار نشد ولی
عوامل دیگر بارها نامزد و برنده شدند مثل بهترین
«جلوه‌های ویژه» برای فیلم ۲۰۰۱
- در فیلم «درخشش» ۷۵ برداشت از صحنه‌ای که
بازیگری می‌خواست درب ماشین را محکم ببندد
گرفت!!!
- معروف است به کارگردانی بی‌نهایت وسواسی
و با دقت Perfectionist برداشت‌های طولانی و بدون
استراحت از بازیگران می‌گرفت. برای فیلم Lyndon
Bary در ایرلند فیلم برداری می‌کرد و وقتی از IRA
اخبار تهدیدآمیز دریافت کرد (چون از یک ارتش کامل
استفاده می‌کرد) مجبور به ترک ایرلند شد.
- از کودکی، وارد دنیای شطرنج شد. می‌گویند،
این تامل و صبوری که در فیلم هایش به عنوان
کارگردانی با وسواس و با دقت دیده می‌شود به خاطر
تأثیر شطرنج بر اوست.
- دبیرستان را ترک تحصیل کرد و در جوانی به
عنوان عکاس در یکی دو تا مجله معتبر آمریکایی
مشغول به کار شد. از عکاسی و علاقه به دوربین و
ضبط اتفاقات مستند، علاقه به فیلمسازی پیدا کرد.

به ندرت مصاحبه می‌کرد. اما در مستندی که
دخترش Vivan در مورد Shining ساخت ظاهر شد.
- آخرین فیلم کوپریک «چشم‌ان باز بسته» Shut
Eyes Wide «» به عقیده خودش بهترین فیلمی است که
تا به حال ساخته بوده است.
- در بیشتر فیلم هایش Wide Angle Shot به کار
گرفته شده است.
- اغلب فیلم هایش از Killing «قتل» به بعد، به عقیده
اغلب کارشناسان و علاقمندان سینما بهتر است که از
ردیف‌های جلو سینما نزدیک به پرده تماشا شوند.
- از شات‌های شاخص یا «مضای کوپریک» که به
شات Glare معروف است Glaze، یعنی خیره - مسخ -
بیخ - شخصیت با یک Close up که دگرگونی
احساس شدیدی
را در صورت
بازیگر نشان
می‌دهد گرفته
می‌شود. رو به
دوربین، سرش
معمولا پایین
افتاده ولی
چشمهایش به
بالا نگاه می‌کند.
مثال ها Alex:
در اول فیلم
«پرترتال»



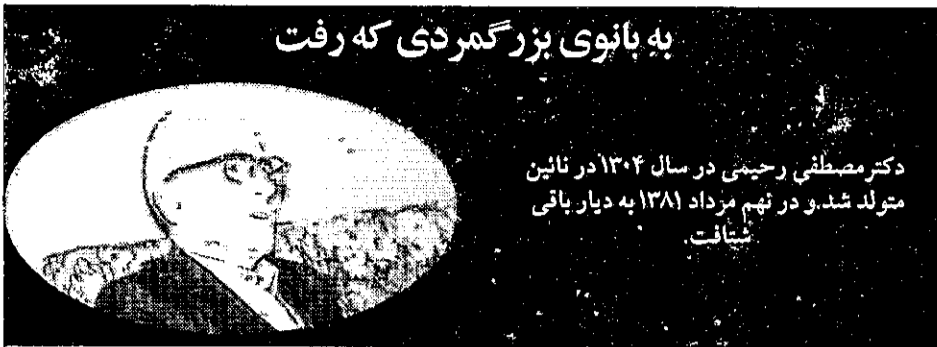
نقل و قول های کوپریک
- «من هرگز چیزی در مدرسه یاد نگرفتم و تا ۱۹
سالگی هیچ کتابی را از روی لذت نخواندم.»
- «فیلم بیشتر شبیه موسیقی است. (با باید باشد) تا
به داستان، باید یک پیشرفت و صعود در حالات
(مودها) Moods - و احساسات باشد. تم (Theme)
چیزی که پشت احساسات خوابیده، معنا و بقیه بعدا
خود را نشان می‌دهند.»
- «من با تعبیر شما از فیلم هایت بحث و جدلی
ندارم. در ضمن خودم نیز تفسیری ارائه نمی‌دهم، چرا
که همیشه بر اینم ثابت شده که بهترین روش این است
که اجازه دهیم فیلم برای خودش صحبت کند.»

اقتباس از رمان جدید آنتونی مینگلا
کتاب کوهستان سرد

ناتالی پورتمن هم به تیم بازیگران اقتباس ادبی جدید
آنتونی مینگلا از کتاب کوهستان سرد چارلز فرازیر (۱۹۹۷)
پیوست. پورتمن در کنار بازیگرانی چون نیکول کیدمن،
رنه زگولر، جودلاو، فیلیپ سایمور هافمن، جیوانی
ریسی، برنوان گلیسون و کتی بیکر قرار می‌گیرد. آنتونی
مینگلا رمان فرازیر را مهمترین دلیل برای حضور چنین تیم
بازیگران می‌داند معتقد است که در غیر این صورت هرگز
این تعداد هنرپیشه مشهور در کنار هم قرار نمی‌گرفتند.
رمان ماجرای یک سرباز مجروح در جنگ‌های داخلی
آمریکا (جودلاو) است که قصد بازگشت به خانه و
شهرش در کارولینای شمالی را دارد. فیلم محصول
مشترک کمپانی های میرامکس و متروگلدوین مایر است.

اقتباس سینمایی از رمان مشهور
Aconfederacy of Dunces

میرامکس قصد دارد تا اقتباس سینمایی از رمان
مشهور Aconfederacy of Dunces نوشته جان کندی
تول را برای اکران در سال آینده مهیا کند. حقوق
اقتباس فیلم حدود ۲۰ سال پیش به کمپانی پارامونت
واگذار شده بود و اخیرا توسط میرامکس از آن
استودیو خریداری شد.
گرچه میرامکس قصد دارد پروژه را از پاییز آغاز
کند ولی هنوز کارگردانی برای آن مشخص نشده.
اسکات کرامر و استیون سادربرگ نویسندگان
فیلمنامه هستند. قصه ماجرای ایگناتیوس ریلی، جوان
ماجراجویی است که در نیواورلئان شغل های مختلفی
را تجربه می‌کند.



به بانوی بزرگمردی که رفت

دکتر مصطفی رحیمی در سال ۱۳۰۴ در نائین
متولد شد. در نهم مرداد ۱۳۸۱ به دیار باقی
نشانت.

دکتر مصطفی رحیمی، حدود نیم قرن
پیش، در بحبوحه کشمکش افکار جهان، این
اهمیت را درک کرد و کوشید تا فتح بابی
کند، در جامعه ای که اعتقادهای نظری،
حسی و سلیقه ای را سد راه شناخت علمی
قرار داده بود.
یک عمر با قلم، در حصار دیوارهای کتاب در یک
گذران فشرده و بی هیچ پشتوانه، تنها با همسری که
تربیت شایسته زن و مادر ایرانی را داشت و همسر
دانشمند درک می‌کرد، همان گونه که در انتظار پایان
تحصیل و بازگشت او در نوجوسی و نوجوانی
نشسته بود، اینک در صد روزه زندان بی دلیل، می‌رفت
و می‌آمد و پسران کوچک را با قصه بازگشت پدر
دلخوش می‌داشت.
دانشمندی یونانی هنگام قصاص، مورد سوال
قرار گرفته بود از جانب پادشاه که حکم مرگ او را
می‌داد:
- تو همواره از انسان خوشبخت گفته بودی حالا
چه نظری داری، بگو من خوشبخت هستم یا تو که
می‌میری؟
- من هنوز نمرده‌ام. اما پاسخ تو اینست، کسی تا
نمیرد نمی‌توان گفت خوشبخت بوده یا نه.
دکتر مصطفی رحیمی، همچون تمام فرزندان
عالم، با تفکری روشن در قناعتی انسان‌ساز، با
همسری فهیم و منز و پسرانی مهرورز و مطیع در
خانه‌ای کوچک، در حصار کتاب، پیش روی نامی که
در عطف کتابهای با اهمیت و مفید به چشم می‌آمد،
عمر نه چندان بلند خود را طی کرد.
مانند او نمی‌آید، چون این قرن آشفته به کسی
مجال نمی‌دهد که از مواهب سرزمین خویش، از
محقق خردمندان سالخورده و از بوی خاک و عطر
پیچیده گلها و میوه‌ها، در خویش خانه‌ای بنا کند و
دانش و فلسفه را به آن خانه بیاورد، برای آراستن فکر،
برای پیراستن خویش.
میهن بهرامی

دکتر جواد حدیدی جاودانه شد



مهران بعضی کسان را تاب نمی‌آورم. هرچه
می‌گویم سوگ بعضی آلودم را خاموش فریاد بزنم،
نمی‌توانم. اصلا بزرگمردی چون تو را سوگنامه چرا،
شادنامه می‌بایست. سوگنامه برای من است که چون
تویی را از دست داده‌ام.
مرگ برانزنده چون تویی نبود. به یکباره نقاب
هجرت بر چهره کشیدی و رفتی و نگفتی چگونه تاب
بیاورم نبودت را؟ مرگ برانزنده چون تویی نبود برخیز و
بنویس! برخیز و بیاور! ذره ذره وجودت در ادب معاصر
جایمانده است. «اسلام از نظر ولتر» و «از سعدی تا
آراگون»، «ایران در ادبیات فرانسه» و... شاید به عمد
یادگار گذاشتی که بدانم مرگ بهانه‌ای بود برای جاودان
شدنت. خوب می‌دانم که جاودان بودی و جاودان
خواهی ماند.

دکتر جواد حدیدی کوچید. او در سال ۱۳۱۱ در قم
متولد شد. به مکتب رفت و دروس مقدماتی را در آنجا
آموخت. در آن زمان مردم عقیده داشتند که مدرسه های
جدید بچه ها را بی دین می‌کند. از این رو پدر و مادر
متدین او مانع ادامه تحصیلاتش در مدرسه شدند، اما این
وضعیت چندان نباید با صحبت های روحانی محله
والدینش قانع شدند و او را به مدرسه فرستادند. از کلاس
دوم شروع به تحصیل کرده و ششم ابتدایی را با رتبه
ممتاز به اتمام رسانید. پس از آن برای آموختن تحصیلات
قدیمه به مدرسه فیضیه رفت در همان دوره بود که مصمم
شد درس های دبیرستان را نیز فرا گیرد البته به تنهایی و
بدون معلم.
درس های دبیرستان را به پایان رساند اما هنگامی که
قصد داشت به صورت متفرقه برای اخذ مدرک امتحان
دهد از آنجا که هفده سال بیشتر نداشت از او ممانعت به
عمل آمد. سرانجام با دشواری های فراوان و با توسل و
یاری جستن از وزیر فرهنگ وقت موفق به اتمام دوره

دبیرستان شد و سال ۱۳۳۳ با رتبه ممتاز از دانشگاه
فارغ التحصیل شد و برای ادامه تحصیلات در مقاطع
بالتر عازم سوئیس و فرانسه شد و تحصیلاتش را تا
مقطع دکترای ادامه داد.
پس از دفاعیه بی نقص دکترای، فرانسوی ها از او
خواستند تا در آن کشور بماند اما چنین نکرد. به ایران
بازگشت و به تدریس و تحقیق در زمینه ادبیات تطبیقی
مبادرت ورزید. از سعدی تا آراگون از برجسته ترین آثار
اوست که به تأیید صاحب نظران یکی از کامل ترین
تحقیقات در عرصه ادبیات تطبیقی است.
او با نگارش و ترجمه چندین کتاب گرانسنگ و
صدها مقاله ارزشمند به زبان های فارسی، فرانسه و
انگلیسی و تربیت دانشجویان فراوان پرونده درخشانی از
خود به یادگار گذاشت.
راهش پر رهرو باد

هر گونه برداشتی از مطالب و تصاویر نشریه پروین
منوط به کسب اجازه از طرف نشریه می باشد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
معصومه بیات
شورای سردبیری:
همکاران این شماره: مرتبه حسن زاده (مصطفوی) - نایب کبری
- احمد پوری - ممتاز آذرنیا - بیتا معصومی - روسی رحیمی -
حسین مصطفوی - فاطمه عقیلی - شهاب نادری مقدم - زیلا
ارجمندی - کاوه کاویان - امیررضا نوری زاده - رضاحسین اعظم بیات -
مهری فرزکی و هادی مقدم دوست.
شعر جوان: شهاب نادری مقدم
با تشکر از: حجت رضایی - نگار شیرازی سید عبدالجواد موسوی
تصویر گران، مهرتوش و رایجیان اصلی - ندا شیدوش

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۷۱۸۴۹۱۷
تلفن: ۲۰۳۷۷۹۱
حروف چینی: زهرمشروسرآبادی
امور فنی و هنری: مجتبی اسکندر - تلفن ۸۹۶۸۱۷۷
لیتوگرافی: برتا
چاپ: چاپ و نشر تهران
پست الکترونیک: parvinmagazine@hotmail.com